



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی در اسلام

عنوان:

فلسفه تاریخ ابن اعثم کوفی

استاد راهنما: دکتر شجاع احمدوند

استاد مشاور: دکتر محمدجواد غلامرضا کاشی

دانشجو: هادی بیات

زمستان ۱۳۹۰

برای پدرم، مادرم و همسر

با تشکر از اساتید دانشمندم که بعد از آنها طور دیگر می‌بینم و به گونه‌ای دیگر می‌اندیشم و سپاس ویژه از دانایی، صبر و متانت استادان دکتر احمدوند و دکتر محمدجواد غلامرضا کاشی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

یکی از راه‌های مطالعه در باب سیاست رجوع به تاریخ است به خصوص جایی که اندیشه ابراز نمی‌شود و بلکه در لا به لای روایات تاریخی مستتر می‌گردد. مطالعه درباره مورخ و نحوه تاریخ‌نگاری او مستلزم بهره بردن از روش‌های مطالعه تاریخ است. برای فهم نحوه نگرش یک مورخ یا میزان تأثیرپذیری او از سیاست و امر سیاسی یک راه این است که در این باره به مسائل مبتلابه زمانه مورخ رجوع شود و با مطالعه آثار او در این باب به درکی از دلمشغولی‌هایش دست یافته شود. راه دیگر انتخاب چند گزاره ناب سیاسی و جستجوی آنها در قرائت مورخ است. در نگاه اول شاید تحقیق درباره فلسفه تاریخ چندان به کار اندیشه سیاسی در اسلام نیاید. اما به نظر نگارنده این بررسی از جهاتی می‌تواند مقدم بر اندیشه سیاسی اسلام به خصوص اندیشه سیاسی شیعه محسوب گردد.

در تعریف فلسفه تاریخ گفته شده که نوعی معرفت درجه دوم است که به کار مورخ نگاه انتقادی دارد. در باب ابن اعثم گفتنی است با وجود گمنامی در مقایسه با امثال طبری و مسعودی یا بیهقی - چنان که پیش از این اشاره شد - روایت او از تاریخ بر محمدباقر مجلسی تأثیر فراوان داشته و به خصوص الفتوح از مصادر اصلی بحارالانوار بوده است. با عنایت به جایگاه علامه مجلسی و کتابش در میان عالمان شیعی و نیز تأثیر شخص او و قرائتش بر مذهب شیعه، در چند قرن اخیر، بررسی انتقادی اسانید کتب و آرای ابن اعثم را لازم می‌گرداند و این فقط یکی از امّهات پرداختن به فلسفه تاریخ ابن اعثم کوفی است.

کلید واژه‌ها: ابن اعثم، بازسازی تاریخ، عینیت، علّیت، ارزش

فهرست

فصل اوّل. کلیات

۱. بیان مسئله..... ۱۱
۲. سؤال تحقیق..... ۱۲
۳. فرضیه..... ۱۳
۴. ادبیات موضوع..... ۱۳
۵. اهداف تحقیق..... ۱۷
۶. روش تحقیق..... ۱۷
۷. تعریف مفاهیم..... ۱۸
۸. مشکلات تحقیق..... ۲۰
۹. سازماندهی تحقیق..... ۲۰

فصل دوم. چهارچوب نظری: دیدگاه و روش

- ۱ - دیدگاه. امر تاریخی / سیاسی: الگوی هگلی..... ۲۴
۱. ۱ - الگوی مؤمنانه (زندگی مؤمنانه، سیاسی و تاریخمند)..... ۲۹
۱. ۲ - بازسازی تاریخ..... ۳۳
۱. ۳ - مورخ مسلمان و بازسازی تاریخ..... ۳۴
۱. ۴ - نگاهی به تاریخ نگاری سیاسی مسلمانان..... ۳۵
۲. روش: فلسفه تاریخ..... ۴۰
۲. ۱ - فلسفه تاریخ نظری..... ۴۶

۲. ۲ - فلسفه تاریخ تحلیلی..... ۴۷

۲. ۳ - موضوعات اصلی در فلسفه تاریخ تحلیلی..... ۴۸

فصل سوم . سوانح احوال و زمانه ابن اعثم کوفی

تاریخ نویسی از نگاه مسلمانان..... ۵۶

اهمیت علم تاریخ در علوم اسلامی و جایگاه الفتوح..... ۵۷

مکاتب تاریخ نگاری اسلامی..... ۶۰

الف - مکتب مدینه (محافظه کاری در روایت تاریخ)..... ۶۱

ب - مکتب عراق (روایت اعتراض)..... ۶۲

ابن اعثم کوفی..... ۶۳

منظومه معرفتی ابن اعثم..... ۶۹

۱. انسان شناسی ابن اعثم..... ۷۰

۲. آراء کلامی..... ۷۱

۳. فقه..... ۷۲

۴. سیاست..... ۷۴

مسئله تقدیر..... ۷۶

فلسفه تاریخ بن اعثم..... ۷۹

سایه آراء کلامی/شیعی بر رویکرد تاریخی ابن اعثم..... ۸۰

فصل چهارم . مفهوم حاکم مقتدر در تاریخ نگاری ابن اعثم

۱ - عینیت..... ۹۰

۱. الف - لزوم حفظ قدرت ۹۰
- ۱.ب - راه‌های حفظ قدرت ۹۲
۲. تبیین ۹۶
۲. الف - تبیین عقلانی ۹۶
۲. الف - ۱ - حاکم به منزله شبان ۹۶
۲. الف - ۲ - اصالت نظر حاکم ۹۸
۲. الف - ۳ - عوامل مؤثر بر بقای حکومت ۹۹
۲. ب - تبیین قانونمند ۱۰۱
۲. ب - ۱ - امر مقدر و انتخاب حاکم ۱۰۱
۲. ب - ۲ - مردم به مثابه اهل خانه ۱۰۳
۳. ارزش ۱۰۴
- ارزیابی نگرش ابن اعثم به حاکم مقتدر ۱۰۶
- جدول تبیین حاکم مقتدر ۱۰۸

فصل پنجم. شیوه پردازش مشروعیت سیاسی در تاریخ ابن اعثم

- تعریف مشروعیت سیاسی ۱۰۹
۱. عینیت ۱۱۱
۱. الف - مشروعیت الهی ۱۱۱
۱. ب - اجماع ۱۱۲
۱. ج - زوال حجیت اجماع ۱۱۳

۱. د - نارضایتی عمومی..... ۱۱۴
۲. تبیین..... ۱۱۶
۲. الف - تبیین عقلانی..... ۱۱۶
۲. الف - ۱ - ریزش پایه‌های مشروعیت..... ۱۱۶
۲. الف - ۲ - از دست دادن شرایط خلافت..... ۱۱۸
۲. الف - ۳ - شایستگی‌های فردی..... ۱۱۹
۲. ب - تبیین قانونمند..... ۱۲۰
۲. ب - ۱ - خروج والیان از دایره شریعت..... ۱۲۱
۲. ب - ۲ - زوال سوابق نیک (ملاک حال فعلی افراد)..... ۱۲۱
۲. ب - ۳ - مشیت الهی..... ۱۲۲
۳. ارزش..... ۱۲۲
- ارزیابی شیوه پردازش مشروعیت در الفتوح..... ۱۲۷
- جدول ارزیابی مشروعیت..... ۱۲۹

فصل ششم. انعکاس حق اعتراض در تاریخ ابن‌اعثم

- تعریف حق اعتراض..... ۱۳۰
۱. عینیت..... ۱۳۲
۱. الف - اعتراض خواص..... ۱۳۲
۱. ب - تأیید الهی..... ۱۳۳
۲. تبیین..... ۱۳۶

۲. الف - تبیین عقلانی..... ۱۳۶
۲. الف - ۱ - کاهش منزلت ۱۳۶
۲. الف - ۲ - مردم معترض..... ۱۳۷
۲. ب - تبیین قانونمند ۱۳۸
۲. ب - ۱ - امرای ناشایست..... ۱۳۸
۲. ب - ۲ - حاکم ضعیف النفس..... ۱۳۹
۲. ب - ۳ - شکستن عهد الهی ۱۴۰
۳. ارزش..... ۱۴۰
- ارزیابی انعکاس حقّ اعتراض در الفتوح..... ۱۴۷
- جدول الف. تبیین حقّ اعتراض..... ۱۴۸
- جدول ب. ارزیابی حقّ اعتراض..... ۱۴۹

نتیجه گیری

- منابع و ماخذ..... ۱۵۵

فصل اوّل

کلیّات

یکی از راه‌های مطالعه در باب سیاست رجوع به تاریخ است به‌خصوص جایی که اندیشه ابراز نمی‌شود و بلکه در لا به لای روایات تاریخی مستتر می‌گردد. به‌راستی برای فهم این که یک مورّخ در باب سیاست و امر سیاسی چگونه می‌اندیشد چه باید کرد؟ آن‌هم در جایی که از ارائه مستقیم اندیشه خویش امتناع و یا به اقلی اکتفا کرده است. مطالعه درباره مورّخ و نحوه تاریخ‌نگاری او مستلزم بهره بردن از روش‌های مطالعه تاریخ است. برای فهم نحوه نگرش یک مورّخ یا میزان تأثیرپذیری او از سیاست و امر سیاسی یک راه این است که در این باره به‌مسائل مبتلابه زمانه مورّخ رجوع شود و با مطالعه آثار او در این باب به درکی از دلمشغولی‌هایش دست یافته شود. راه دیگر انتخاب چند گزاره ناب سیاسی و جستجوی آنها در قرائت مورّخ است. می‌توان چگونگی روایت او از گزاره‌های سیاسی را بررسی کرد. اما کدام گزاره‌ها؟ سیاست گزاره‌های کثیری دارد که هر یک واجد ارزش‌های مطالعاتی فراوانی است.

در حالت دوم، از گزاره‌هایی که سنخیتی نیز با مطالعات تاریخی/سیاسی اسلامی دارند می‌توان به دو مقوله حاکم مقتدر و مشروعیت سیاسی اشاره کرد. در این پژوهش به دلایلی حقّ اعتراض (شورش) نیز به عنوان گزاره سوّم مورد مذاقّه و بررسی قرار می‌گیرد. جستجوی این سه گزاره در کار تاریخی شاید تا حدودی گره‌گشای فهم سیاسی مورّخ باشد.

۱. بیان مسئله

تاریخ واژه‌ای عربی است اما درباره ریشه آن میان زبان‌شناسان اتفاق نظر وجود ندارد و می‌توان شرحی از اختلاف آنها را در مدخل تاریخ در لغت‌نامه دهخدا یافت. مطابق تعریف منابع اسلامی:

«تاریخ در لغت به معنای تعیین زمان رویدادهاست. اولین بار این کلمه در منابع سده دوم دیده شده و از سده سوم به بعد کاربرد آن رایج گردیده است»^۱. و نیز گفته‌اند: «تاریخ یعنی معلوم کردن احوال انبیا و امامان و فرمانروایان و وزرا و خلفا و ... و حوادث بزرگ مانند جنگ‌ها و فتوحات برحسب زمان»^۲. هم‌چنین آمده است که: «تاریخ علمی است که در آن از حوادث زمان گذشته بشر بحث می‌شود. این دانش از اهم دانش‌هایی است که انسان بدان نیازمند است؛ زیرا با شناخت امور هم نوعان، خود را نیز می‌شناسد»^۳. در متون کهن عربی و فارسی گزارش رویداد را خبر می‌نامیدند و حالت جمع آن یعنی اخبار را، به معنای تاریخ‌نگاری نیز به کار برده‌اند. نویسندگان آن دوران شرح حال بزرگان علم، هنر و دین را هم اخبار می‌گفتند.^۴ یکی از محققان معتقد است که این واژه در میراث اسلامی، از آغاز تا کنون به شش معنا به کار رفته است که عبارت‌اند از:

۱. سیر زمان و حوادث به معنای تطوّر تاریخی، معادل انگلیسی (The History of...)

۲. تعیین زمان حادثه تاریخی با روز و ماه و سال (The date)

۳. علم تاریخ و تعریف آن، کتاب‌های تاریخ و محتویات آن؛ معادل کلمه انگلیسی (The

History)

۴. تدوین تاریخ، یا تاریخ و توصیف تطوّر و تحلیل آن برابر کلمه (Historiography)

۵. شرح حال نگاری و رجال معادل کلمه (The Biography)

۶. به معنای میراث اقوام و بیان‌گر شمایل بنیادی امّت‌ها.^۵

^۱ محمدرضا ناجی و دیگران، تاریخ و تاریخ‌نگاری، تهران: نشر کتاب مرجع، ۱۳۸۹، ص ۱

^۲ صادق سجادی و هادی عالم زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام چاپ نهم، تهران: نشر سمت، ۱۳۸۶، ص ۸

^۳ صادق آئینه‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، چاپ دوم، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷، ص ۵

^۴ بابک احمدی، رساله‌ی تاریخ، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۷، ص ۵

^۵ حسن حضرتی، دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵

اما تاریخ به معنایی که مورد توجه این تحقیق نیز هست عبارت است از: «تجربه زندگی انسان که در طول زمان گسترش یافته است»^۱. اما روایت این تجربه متفاوت است و از همین نگاه است که فلسفه‌های متفاوت تاریخ به وجود می‌آید. گاهی تاریخ به منزله رویداد در نظر گرفته می‌شود و گاهی به منزله گزارش. تاریخ در نگرش اول که استنفورد آن را تاریخ ۱ می‌نامد معطوف به جریان رویدادهاست و اما تاریخ ۲ چیزی است که درباره رویدادها باور داریم و می‌نویسیم^۲.

تاریخ‌نگاری به معنای نگارش تاریخ است. این واژه به یک (یا چند) جنبه نگارش تاریخ اشاره می‌کند. این سه جنبه را می‌توان به عنوان توصیفی، تاریخی و تحلیلی متمایز ساخت. تاریخ‌نگاری توصیفی آنچه را معمولاً مورخان انجام می‌دهند می‌پذیرد و روش‌ها و شیوه‌های متعارف آنها را توصیف می‌کند... تاریخ‌نگاری تاریخی شیوه‌های نگارش تاریخ را در ۲۵۰۰ سال گذشته، از زمان هرودوت به این سو، دنبال می‌کند... و بالاخره تاریخ‌نگاری تحلیلی یا نقدی از مفاهیم و مسائل فلسفی بحث می‌کند که از نگارش تاریخ پدید می‌آیند. این نوع تاریخ‌نگاری در عمل، با فلسفه تحلیلی یا نقدی تاریخ هم پوشی دارد؛ شاید تنها تفاوت این است که اولی از دید مورخ به موضوع نزدیک می‌شود و دومی از دید فیلسوف^۳.

۲. سؤال تحقیق

سؤال این تحقیق عبارت است از این که معیار اصلی ابن‌اعثم در اعتبار دادن به گزاره‌های تاریخی چه بوده است؟

۳. فرضیه

معیار اصلی ابن‌اعثم تبیین ارزشی رویدادهاست، هرچند به فراخور از روش‌های تعلیلی - تبیینی نیز بهره می‌گیرد.

^۱. مایکل استنفورد، *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، مترجم مسعود صادقی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه امام صادق و سمت، ۱۳۸۶، ص ۲۳

^۲. مایکل استنفورد، *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، مترجم احمد گل‌محمدی، چاپ سوم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷، ص ۲۲

^۳. استنفورد، پیشین، ص ۱۶

۴. ادبیات موضوع

درباره ابن اعثم و اثر تاریخی او تحقیقات چندانی انجام نشده است. آثار نوشته شده در این باره را می توان به سه دسته تقسیم کرد: دانشنامه‌ای، ادبی و تاریخی. کتب رجالی که به ابن اعثم پرداخته‌اند را نیز می توان در زمره آثار دانشنامه‌ای دسته‌بندی کرد.

الف. دانشنامه‌ای: این نوع نگرش که نگرش غالب نیز هست در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ‌های اینترنتی ملاحظه می‌شود. اطلاعات مربوط به ابن اعثم در دائرة المعارف بزرگ اسلامی در آدرس ذیل قرار دارد و البته مطالب ارائه شده در این آدرس مورد استفاده تحقیق قرار گرفته است اما آن‌چه ارائه گردیده از اطلاعات عمومی فراتر نمی‌رود.^۱

نکته‌ای جالب در دائرة المعارف بزرگ اسلامی در بخش کتاب «اخبار الدولة العباسیه» وجود دارد. با اطلاعات ارائه شده به وسیله نویسنده این قسمت بعید نیست که نویسنده الفتوح و کتاب مزبور یک نفر باشد. یعنی کتاب «اخبار الدولة العباسیه» احتمالاً همان قسمت کتاب الفتوح است که با نام ابن اعثم در دسترس نیست ولی تحت عنوان اثر دیگر موجود است. اگر این احتمال صحیح باشد مؤید قدرت تاریخ‌نگاری ابن اعثم خواهد بود و البته کتاب فوق مشهورتر از الفتوح ابن اعثم نیز هست و تا مدت‌ها پیش از آن مورد رجوع بوده است.^۲ شیخ آغا بزرگ تهرانی نیز در «الذریعه» به ابن اعثم اشاره‌ای دارد و در آن‌جا تصریح کرده که الفتوح از مآخذ اصلی «بحار الانوار» مجلسی است.^۳

ب. ادبی: یکی از خصایص برجسته کتاب ابن اعثم نثر عربی و نیز ترجمه فارسی آن است. یاقوت حموی در معجم‌الادباء که اثری است پیرامون ادبا و آثار ادیبانه‌شان، درباره ابن اعثم آورده است: «ابن اعثم غیر از الفتوح کتاب دیگری به نام «کتاب التاریخ» دارد که از روزگار مأمون عباسی تا زمان مقتدر را در بردارد و شاید این کتاب دنباله همان کتاب نخست باشد».^۴ آوردن نام ابن اعثم در این

^۱ علی رفیعی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۳ (ابن ازرق - ابن سیرین)، تهران: نشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۲۶

^۲ علی بهرامیان، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷ (احمد بن علویه - ازبک خان)، تهران: نشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۶

^۳ آغا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۳، چاپ دوم: بیروت، دارالاضواء، ص ۲۲۰

^۴ ابن اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲، ص ۱۴

کتاب نشان از جایگاه ممتاز نثر ابن‌اعثم در نظر ادب‌شناسی چون یاقوت است. از جمله کارهای ادبی قابل اعتنا که درباره الفتوح انجام شده، کاری است که علی غلامی دهقی انجام داده است. این مقاله که در نشریه «تاریخ در آینه پژوهش» چاپ شده، مقایسه‌ای است بین ترجمه فارسی و عربی الفتوح. کار ایشان جزو کارهای خوب درباره ابن‌اعثم است. با وجود صبغه ادبی کار، نویسنده به بقیه خصوصیات تاریخی و علمی ابن‌اعثم نیز اشاره کرده و روی هم رفته کامل‌ترین کار از نوع خود، درباره ابن‌اعثم است.^۱ در اهمیت کار غلامی دهقی همین بس که آشکارکننده کار ابن‌اعثم در جابجا کردن وقایع تاریخی است. کاری که مترجم نادانسته یا به قصد، با تطبیق تاریخ‌های منظم شده ابن‌اعثم با دیگر کتب تاریخی، اهداف احتمالی ابن‌اعثم را ناکام گذاشته و از بین برده بوده است. هرچند غلامی به تبعات سیاسی و فکری این جابجایی‌ها التفاتی نداشته است. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود: در متن عربی (ج ۴، ص ۳۲۲-۳۲۸) بعد از گزارش شهادت امام حسن(ع)، روایاتی در باب شهادت امام حسین(ع) آمده است؛ اما مترجم این روایات را در آخر فصل ششم و بعد از گزارش حادثه کربلا و شهادت امام حسین(ع) آورده است. (ترجمه، ص ۹۱۶-۹۲۴). تقدم روایاتی که شهادت امام حسین(ع) را چونان رخدادی مقدر تصویر می‌کنند بر روایت رویدادهای تاریخی؛ از یک طرف ریشه در تقدیرگرایی ابن‌اعثم دارد و از سمت دیگر نمایشگر اعتقاد به ریشه‌های فراتاریخی امور است. به خصوص اموری با ماهیت کاملاً سیاسی در روایت ابن‌اعثم چون قیام امام حسین(ع). تأکید بر این که ابن‌اعثم ماهیت این قیام را سیاسی می‌داند در نحوه خاص روایت این ماجرا قرار دارد. پس و پیش کردن وقایع تاریخی می‌تواند علت وقوع یک واقعه را مبهم سازد یا این که به آن معنایی دیگر بخشد.

در روایت ابن‌اعثم از عاشورا، خروج امام حسین(ع) از مکه بعد از دریافت خبر شهادت مسلم بن عقیل است. یعنی امام با وجود دانستن بدعهدی کوفیان و شهادت مسلم باز از سفر به کوفه منصرف نشده است. معنای این کار تصمیم امام برای قیام به هر قیمتی است. قیام بر علیه حاکم وقت عملی سیاسی است اما عملی که ارجاع آن مطابق روایت ابن‌اعثم به امری فراتاریخی است. یعنی این قیام در

^۱. علی غلامی دهقی، «بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای فتوح ابن‌اعثم با ترجمه فارسی آن» قم: فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، پیش شماره ۱، پاییز ۱۳۸۱، صص ۲۱۸-۱۹۱

اصل برای اجرای یک اراده مافوق پیشین است و پس از آن دلایل دیگری چون اصلاح و امر به معروف قابل طرح‌اند. تقدیری است که باید گردن نهاده شود و پیمان‌شکنی و بی‌یاوری مانع از انجام آن نمی‌شود. این در حالی است که به گزارش بقیه منابع خبر شهادت مسلم را در بین راه به امام می‌دهند.^۱

در داستان ورود امام حسین (ع) به کربلا نیز ابن‌اعثم آن را انتخاب و اختیار امام روایت می‌کند. در حالی که دیگر منابع طور دیگر نوشته‌اند و آورده‌اند که حر امام را مجبور به توقف نمود. ابن‌اعثم آورده که: «امام پرسید آیا این جا کربلاست؟ گفتند بله. پس فرمود، فرود آید، این جا جای اندوه و بلاست. این جا جای منزل کردن کاروان و ریختن خون ماست.»^۲ چنان که می‌بینیم کاملاً جنبه‌های تقدیری را پررنگ و عاشورا را چونان مناسکی تصویر کرده و از حوزه اختیار بشری خارج ساخته است. پیش از اینها در ماجرای کشته شدن عثمان و بیعت مردم با علی (ع)، گزارش دفن خلیفه مقتول در متن عربی^۳ بعد از گزارش اجتماع مردم برای بیعت با امام علی (ع) آمده است؛ اما مترجم خبر دفن خلیفه را برگزارش بیعت مردم با علی (ع) مقدم داشته است.^۴ چنان که خواهد آمد، گویا ابن‌اعثم از این عمل منظور خاصی را دنبال می‌کرده است. ابن‌اعثم اعتقاد تامی دارد بر این که نمی‌شود لحظه‌ای امت را بدون امام گذاشت، در داستان خلافت ابوبکر از قول عمر آورده است که امت در بیعت تعجیل کنند و مبادا کسی از این مهم باز بماند. بنابراین رسماً عمل جمعی انتخاب امام را بر ثواب فردی تعجیل در امر تشیع مسلمان مقدم داشته است. اما برای مترجم امر امامت این اهمیت را نداشته است.

ج: تاریخی. تحقیق‌های تاریخی درباره ابن‌اعثم دو دسته‌اند یکی آنهایی که به‌عنوان یک مورخ در حوزه تاریخ عاشورا به او پرداخته‌اند و دسته دیگر آنهایی که در تحقیق پیرامون فتوح‌نگاری‌ها به ابن‌اعثم و کار سترگش پرداخته‌اند. دسته سوّمی هم هست که فقط به خود ابن‌اعثم پرداخته است.

۱. عبدالله حسینی، معرفی و نقد منابع عاشورا، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۴

۲. الفتوح

۳. ابن‌اعثم (متن عربی)، پیشین، ص ۴۳۶

۴. ابن‌اعثم، پیشین، صص ۳۸۵ - ۳۸۶

ج-۱. ابن اعثم به عنوان روایت‌گر عاشورا: اهمّیت ابن اعثم از حیث اندیشه سیاسی شیعه، در حوزه روایت‌گری عاشورا و وقایع کربلا، نمود بیشتری دارد. اما آنهایی که برای نقل رخداد عاشورا به سراغ الفتوح رفته‌اند، کاری به تأثیرات روایت ابن اعثم در اندیشه سیاسی نداشته‌اند، بلکه عموماً به دنبال نقلی برای روضه خوانی و یا اطلاعاتی درباره نحوه شهادت امام حسین (ع) بوده‌اند. البته در برخی کارهای تحقیقی پیرامون عاشورا در باره الفتوح نگاه انتقادی وجود دارد مانند کتاب معرفی و نقد منابع عاشورا تألیف سید عبدالله حسینی که در نوع خود کاری است شایسته. حسینی در این کتاب نه از نگاه فلسفی که با دید یک مورّخ به کار ابن اعثم پرداخته است. وی در دسته‌بندی خود، روایت ابن اعثم را جزو روایات داستانی طبقه بندی کرده و بدین ترتیب آن را تضعیف کرده است. البته به این نکته تأکید کرده که برخی آورده‌های ابن اعثم منحصر به فرد و اختصاصی است.^۱ با این که در کتاب فوق‌الذکر چند صفحه بیشتر به الفتوح تخصیص نیافته است ولی با نقل آغا بزرگ تهرانی که الفتوح را از مصادر اصلی بحارالانوار مجلسی می‌داند، می‌توان به نفوذ قرائت ابن اعثم از عاشورا در زمان‌های بعد پی برد. به خصوص این که نفوذ مجلسی و آثار وی در همه ابعاد مذهب شیعه غیر قابل انکار است و این نکته‌ای است که در کتاب اخیر جایی برای طرح و بررسی آن نیست.

تحقیق دیگری که در این قسمت باید به آن اشاره شود از آثار رسول جعفریان است به نام «تأملی در نهضت عاشورا». جعفریان درباره ابن اعثم چنین نوشته است: «ابن اعثم کوفی (م حدود ۳۱۴) در کنار مورّخان کهنی مانند یعقوبی، مسعودی، طبری، دینوری، و بلاذری، یکی از چهره‌های تاریخ‌نگار برجسته‌ای است که بسیاری از تحولات تاریخ صدر اسلام را در کتاب الفتوح حفظ کرده است و کتابش مانند آثار دیگران مملو از اخبار و آثاری است که نیاز به بررسی دارد».^۲

ج-۲. ابن اعثم فتوحات‌نگار: در بسیاری از کتاب‌هایی که درباره تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی نوشته شده‌اند، در دسته‌بندی انواع تاریخ‌نگاری‌ها بخشی را نیز به فتوحات‌نگاری تخصیص داده‌اند و نام ابن اعثم و الفتوح نیز در این بخش‌ها آمده و مختصری نیز درباره آن توضیح داده شده است. از

^۱ عبدالله حسینی، پیشین، صص ۱۶۹-۱۶۶

^۲ رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، چاپ چهارم، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۸۲، ص ۲۷

جمله این آثار کتاب «علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی» نوشته صادق آینه‌وند است. پیش از این تمامی آن چه آینه‌وند درباره ابن‌اعثم آورده، در تحقیق ذکر شده است و در این قسمت فقط به آدرس آن اکتفا می‌شود در کتاب آینه‌وند در بخش فتوح نگاری، یک‌جا به نام ابن‌اعثم اشاره شده و بقیه قسمت فتوح آن را مؤلفان و کتاب‌های دیگر تشکیل داده‌اند.^۱ کتاب دیگر «تاریخ‌نگاری اسلامی» اثر سیدصادق سجادی است. آورده‌های این کتاب در باره ابن‌اعثم نیز چیزی نیست جز اطلاعاتی درباره فصول کتاب و تاریخ نشر آن.^۲ در مجموعه مقالاتی که حسن حضرتی در کتابی با عنوان «دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی»، گرد آورده، در مقاله‌ای که به‌سهم مورخان شیعه در تاریخ‌نگاری اسلامی پرداخته است، نویسنده اشاره‌ای هم به ابن‌اعثم دارد و او را در زمره مورخین فتوح‌نگار شیعی مذهب طبقه‌بندی کرده است.^۳

ج-۳. ابن‌اعثم به‌منزله مورخ (معنای عام کلمه): متأسفانه به زبان فارسی درباره ابن‌اعثم یا الفتوح به‌طور مشخص کاری درخور انجام نشده است مگر کار چاپ ترجمه فارسی آن.^۴ اما چندین سال پیش نویسنده‌ای عرب‌زبان به‌نام «محمد جبر ابوسعده» کتابی ۵۰۰ صفحه‌ای درباره ابن‌اعثم نگاشته است به نام «ابن‌اعثم و منهجه التاریخی فی کتاب الفتوح» در پنج فصل. این کتاب قریب هجده سال پیش در مصر به چاپ رسیده است که در ذیل فصول آن آورده می‌شود: فصل اول در باره زندگی و منابع ابن‌اعثم در کتاب فتوح است که ضمن آن منابع مستقیم و غیر مستقیم آن مورد بررسی قرار گرفته است. فصل دوم در باره ویژگی‌های تاریخ‌نگارانه ابن‌اعثم در کتاب الفتوح است. فصل سوم در باره موضع ابن‌اعثم در باره صحابه و تابعین است. فصل چهارم در باره قصه و خیال در فتوح ابن‌اعثم است. فصل پنجم بررسی داده‌های کتاب در باره ازرقه است که به عقیده مؤلف در ارائه اخبار آنان از روش خاصی در این کتاب پیروی شده است.^۵

^۱ . آینه‌وند، پیشین، صص ۱۳۲ و ۲۱۸

^۲ . سجادی و عالم‌زاده، پیشین، ص ۱۱۶

^۳ . حضرتی، پیشین، ص ۲۴۷

^۴ . ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تهران: به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲

^۵ محمدجبر ابوسعده، ابن‌اعثم الکوفی و منهجه التاریخی فی کتاب الفتوح، مصر: ۱۹۸۷، صص ۴۹۴-۵۰۲

۵. اهداف تحقیق:

در نگاه اول شاید تحقیق درباره فلسفه تاریخ چندان به کار اندیشه سیاسی در اسلام نیاید. اما به نظر نگارنده این بررسی از جهاتی می‌تواند مقدم بر اندیشه سیاسی اسلام به خصوص اندیشه سیاسی شیعه محسوب گردد. در تعریف فلسفه تاریخ گفته شده که نوعی معرفت درجه دوم است که به کار مورخ نگاه انتقادی دارد. با وجود گمنامی ابن‌اعثم در مقایسه با امثال طبری و مسعودی یا بیهقی - چنان‌که پیش از این اشاره شد - روایت او از تاریخ بر محمدباقر مجلسی تأثیر فراوان داشته و به خصوص الفتوح از مصادر اصلی بحارالانوار بوده است. با عنایت به جایگاه علامه مجلسی و کتابش در میان عالمان شیعی و نیز تأثیر شخص او و قرائتش بر مذهب شیعه، در چند قرن اخیر، بررسی انتقادی اسانید کتب و آرای ابن‌اعثم را لازم می‌گرداند و این فقط یکی از امهات پرداختن به فلسفه تاریخ ابن‌اعثم کوفی است. زیرا روایت‌های عاشورایی تنها مختص به کتب عالمان نیست و مجالس روضه‌خوانی و عزاداری، عالمان و راویان خاص خود را دارد و قرائت‌های ویژه‌ای از نهضت حسین بن علی (ع) ارائه می‌دهد که قطعاً الفتوح ابن‌اعثم از منابع مورد عنایت و رجوع ایشان نیز هست. تأکید نگارنده بر نهضت امام حسین (ع) به خاطر جایگاه حرکت و خروج آن حضرت در اندیشه سیاسی شیعه است و این همان جایی است که نگارنده بین فلسفه تاریخ مورخی مانند ابن‌اعثم و اندیشه سیاسی ارتباط وثیق می‌یابد.

۶. روش شناسی:

فلسفه تاریخ تحلیلی خود یک روش پژوهش نیز هست. فیلسوف تاریخ در مواجهه با متون تاریخی لااقل چهار مرحله را طی می‌کند و در هر یک از این مراحل مقداری از کار مورخ را رمزگشایی می‌نماید. آن چهار مرحله عبارت‌اند از عینیت، علّیت، تبیین و ارزش. اثر تاریخی در روش تحلیلی فلسفه تاریخ در مراحل ذیل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

۱- از نظر میزان دخالت ذهنیات مورخ در روایت تاریخ

۲- به کارگیری استدلال و تعلیل در روایت تاریخ

۳- چگونگی تبیین رویدادهای تاریخی که به نوعی شامل تعلیل آنها نیز هست

۴- و بالاخره از حیث دخالت دادن ارزش‌های فردی و گروهی مورخ در کار تاریخی وی.

با توجه به این که این مفاهیم در بخش دیدگاه و روش مفصلاً مورد بررسی قرار گرفته اند از توضیحات بیشتر خودداری و خواننده را به آن‌جا احاله می‌دهیم. در این پژوهش به اطلاعات کتابخانه‌ای، به‌ویژه به مقالات، تحقیق‌ها و اسناد و مدارک صادر شده از مراکز مورد مطالعه و نیز منابع معتبر ارائه شده در اینترنت تکیه شده است.

۷. تعریف مفاهیم

۷.۱- فلسفه تاریخ (تحلیلی)

پیش از سده بیستم واژه فلسفه تاریخ معمولاً به تأملاتی نظری درباره کلّ جریان رویدادها (تاریخ) اطلاق می‌شد. در طول سده بیستم هم فلاسفه و هم مورخان با این دلیل مناسب که داده و شواهد کافی برای توجیه چنان ادعاهایی جاه‌طلبانه وجود ندارد، آن‌گونه طرح‌های کلان را رد کرده‌اند. در این دوره فلاسفه به جای نظریه‌پردازی‌های کلان، به فعالیت درجه دوم پرسش‌گری و نقد شیوه‌های مورخان روی آورده‌اند. این نوع فلسفه تاریخ همه داده‌ها و واقعیت‌های تاریخی را کنار می‌گذارد و نه با آن چه اتفاق افتاده، بلکه با این موضوع سر و کار دارد که ما چه گونه درباره آن چه اتفاق افتاده سخن می‌گوییم و می‌نویسیم؛ به بیان کوتاه با تاریخ ۲ سر و کار دارد^۱.

گفته شد که بر مبنای یکی از تقسیم‌بندی‌ها دو گونه تاریخ وجود دارد. تاریخ ۱ که به روند حوادث و وقایع یعنی آن چه عملاً اتفاق افتاده است می‌پردازد. تاریخ ۲ که معنای آن به نقطه نظرها، دیدگاه‌ها و اعتقادات بیان شده یا نوشته شده درباره حوادث و وقایع مذکور باز می‌گردد. فلسفه تاریخ

^۱. استفورد، پیشین، ص ۲۲